

بررسی مدل ساختاری رابطه مؤلفه‌های هویت ملی و دینی با حرمت خود با توجه به نقش واسطه‌ای منزلت‌های هویتی

A Structural Model of Studying National and Religious Identity Relationships with Self-esteem Regarding the Mediation Role of Identity Status

Abbas Rahiminezhad, Ph.D.

Anahita Tashk, M.A.

Hojjatollah, Farahani, Ph.D.

دکتر عباس رحیمی‌نژاد^۱

آناهیتا تاشک^۲

دکتر حجت اله فراهانی^۱

Abstract

This study was aimed to investigate the structural model of national identity, religious identity, with self esteem and the mediating role of ego identity status. In present study the fitness of the two models were tested. In the both models the role of identity status as a mediator variable was measured. The first model was designed to examine the relation of accepting national identity and religious identity with self esteem. The second model was designed to explore the relation of rejecting national identity and rejecting religious identity with self esteem. All participants were asked to complete National and Religious Identity Questionnaires (developed by Rahiminezhad and Ahmadi, 1995), Farsi Version of Adams' Ego Identity Questionnaire (1986; EOM-EIS 2), and Farsi translated Cooper Smith Self Esteem Scale (1981). Using path analysis revealed that there were good fitness for the first model and rather good model for the second one. Other findings revealed that in the model one, the highest amount of the indirect positive effect of accepting religious identity on self-esteem with mediating role of identity achievement status equaled to 0.44. In the model two, also the highest indirect coefficient for the negative effect of rejecting identity on self-esteem was -0.06.

Keywords: accepting national identity, accepting religious identity, rejecting national identity, rejecting religious identity, ego identity status, self esteem

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه ساختاری هویت ملی و هویت دینی با حرمت خود با واسطگی منزلت‌های هویت من بوده است. در مطالعه حاضر برازش دو مدل مورد آزمون قرار گرفت. مدل اول رابطه پذیرش هویت ملی و دینی با حرمت خود به واسطگی هویت یافتگی و دنباله روی بود. مدل دوم نیز رابطه نفی هویت ملی و نفی هویت دینی با حرمت خود به واسطگی سردرگمی و بحران زدگی بود. تعداد ۳۵۲ نفر از دانشجویان سال اول تا چهارم رشته‌های علوم انسانی و علوم تربیتی شرکت داشتند. در این مطالعه از مقیاس‌های هویت ملی (ایرانی) و نفی هویت ملی، هویت دینی (اسلامی) و نفی هویت دینی (رحیمی‌نژاد و احمدی، ۱۳۷۴)، از پرسشنامه منزلت هویتی من (EOM-EIS2): آدامز و بنیون، ۱۹۸۹؛ رحیمی‌نژاد، ۱۳۷۹) و پرسشنامه حرمت خود بزرگسالان کوپر اسمیت (دادستان، ۱۳۷۷) استفاده شد. با استفاده از روش تحلیل مسیر و بررسی شاخص‌های برازش، هر دو مدل دارای برازش بود. نتایج دیگر پژوهش حاضر در مدل اول حاکی از بیشترین ضریب بتا (۰/۴۴) برای اثر مثبت هویت دینی بر حرمت خود با واسطگی هویت یافتگی فردی بود. در مدل دوم نیز بیشترین ضریب بتا (-/۰۶) برای اثر منفی نفی هویت دینی بر حرمت خود با واسطگی سردرگمی بود.

واژه‌های کلیدی: هویت ملی، هویت دینی، نفی هویت ملی، نفی هویت دینی، منزلت‌های هویتی، حرمت خود

arahimi@ut.ac.ir

Received: 09 Apr 2010

Accepted: 07 Nov 2010

^۱عضو هیات علمی دانشگاه تهران

^۲دانشجوی دکتری روانشناسی سلامت دانشگاه تهران

دریافت: ۸۹/۰۱/۲۰ پذیرش: ۸۹/۰۸/۱۶

مقدمه

اریکسون (۱۹۶۳ و ۱۹۶۸)، تحول شخصیت را در گستره عمر، از تولد تا پیری در هشت مرحله ترسیم کرده است. وی برای اولین بار مفهوم بحران هویت، سردرگمی هویت و هویت یافتگی را به منزله امری بهنجار در آغاز نوجوانی مطرح کرد. او معتقد است انتخاب‌های مهم، مانند انتخاب شغل و فعالیت‌های سیاسی از یک سو و انتخاب دین از سوی دیگر هویت نوجوان را شکل می‌دهد. اگرچه نوجوان می‌کوشد تا خود این انتخاب‌ها را داشته باشد، اما تاثیر شرایط اجتماعی و فرهنگی بر شکل‌گیری هویت فرد بسیار اهمیت دارد. اریکسون (۱۹۶۳) برای بررسی تاثیر شرایط اجتماعی بر هویت کودکان و نوجوانان به مطالعه تاثیر ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی قبایل سرخ‌پوست در شکل‌گیری هویت کودکان پرداخت. وی نشان داد که کودکان قبیله یورک که ماهی‌گیری را می‌آموختند، صلح‌جو و کودکان قبیله سیوکس که شکار را می‌آموختند، روحیه‌ای جنگجو داشتند.

اریکسون به عنوان یک کلان نظریه‌پرداز، خطوط اصلی مراحل تحول شخصیت در گستره عمر را مطرح کرد و نسبت به ارایه تعریف عملیاتی و سنجش هویت من اقدامی نکرد. همچنین وی، نحوه تاثیر جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی را بر شکل‌گیری هویت نیز چندان بسط نداد. روانشناسان دیگر این دو جنبه از دیدگاه اریکسون را گسترش دادند. جنبه اول، توسط مارشیا (۱۹۶۶) با ارایه تعریف عملیاتی منزلت‌های هویت مطرح شد و زمینه را برای پژوهش در حوزه تحول هویت فراهم کرد. وی با استفاده از دو ملاک «تجربه بحران» و «تعهد»^۱، چهار منزلت هویتی مختلف را تعریف عملیاتی کرد. این چهار منزلت هویتی عبارتند از: سردرگمی (فاقد تجربه بحران و فاقد تعهد)، دنباله‌روی (فاقد تجربه بحران و دارای تعهد)، بحران زدگی (دارای تجربه بحران و فاقد تعهد) و هویت یافتگی (دارای تجربه بحران و دارای تعهد). آدامز و بنیون (۱۹۸۹)، بر اساس تقسیم‌بندی مارشیا اقدام به ساخت پرسشنامه سنجش عینی منزلت‌های هویتی^۲ نمودند. البته با وجود گسترش استفاده از تقسیم‌بندی منزلت‌های هویتی از سوی پژوهشگران، برزونسکی (۱۹۸۹) نیز اقدام به تعریف عملیاتی هویت بر اساس سبک‌های هویت نمود. جنبه دوم گسترش دیدگاه اریکسون از بعد تاثیر جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی بر شکل‌گیری شخصیت است که توسط روان‌شناسانی مانند کروگر (۱۹۹۳)، بامیستر و مارادون (۱۹۹۶) گسترش یافت. در دیدگاه آنان، هویت‌یابی نوعی سازگاری فرد در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی تلقی می‌شود. کروگر (۱۹۹۳)، با پذیرش نظریه اریکسون (۱۹۶۸) در تاثیر عوامل فرهنگی بر هویت من، نقش فرهنگ، طبقه اجتماعی، قومیت و آداب و رسوم جامعه را مورد تاکید قرار داده است.

1. exploration
2. commitment
3. EOM-EIS-2

مفهوم هویت ملی^۱ از جمله مصداق‌های هویت جمعی است که در حوزه روانشناسی به تازگی توجه روان‌شناسان را به خود جلب کرده است. مفهوم هویت ملی به صورت‌های متفاوتی از نظر روانشناسان تعریف شده است. طبق نظر دیاز-گوئه رو (۱۹۹۷)، این اصطلاح ابتدا میان روانشناسان اسپانیایی زبان توسط کلمن^۲ در سال ۱۹۸۳ مطرح شد. بر اساس تعریف بچار-ناوارو و کاپلو^۳ (۱۹۸۶)، هویت ملی عبارت است از میزان تعلق یک شهروند به نهادهای اجتماعی که به عنوان عناصر ارزشمند و مهم یک نظام ملی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی محسوب می‌شوند. مونترو^۴ (۱۹۸۴) نیز، در تعریف هویت ملی به تعلق افراد به گروهی که دارای سرزمین، تاریخ و عناصر اجتماعی- فرهنگی مشترک هستند، اشاره می‌کند. در مطالعات انجام شده در کشورهای غربی (که در پژوهش حاضر نیز مورد بررسی قرار گرفته است)، اغلب هویت قومی به معنای تعلق یک فرد مهاجر به کشوری که در آن متولد شده در برابر کشور جدیدی که به آن مهاجرت کرده است، گفته می‌شود. بنابراین، در مطالعات مربوط به هویت قومی در کشورهای غربی به مقایسه هویت قومی مهاجران از کشورهای دیگر در مقابل هویت قومی افراد ساکن و بومی همان کشور پرداخته شده است. البته اغلب تفکیک هویت دینی و هویت قومی مهاجران در گزارش‌های پژوهشی به درستی تفکیک نمی‌شود.

بررسی رابطه هویت ملی و قومی با بهزیستی روانشناختی، یکی از نکات قابل توجه در مطالعات هویتی است. حرمت خود، به عنوان یک شاخص مهم بهزیستی روانشناختی در پژوهش‌ها مورد توجه واقع شده است؛ برای مثال، در خصوص ارتباط هویت قومی با حرمت خود برخی از یافته‌ها مانند پژوهش پل و فیشر^۵ (۱۹۸۰)، گروسمن^۶ و همکاران (۱۹۷۹) و تزوریل و کلاین^۷ (۱۹۷۷) حاکی از وجود رابطه مثبت بین هویت قومی و حرمت خود است (به نقل از بومیستر و موراون، ۱۹۹۶). فیینی و همکاران (۱۹۹۷) گزارش کردند که حرمت خود با هویت قومی و ملی رابطه داشته و هویت قومی، یک پیش‌بینی کننده خوب برای حرمت خود است. همچنین در مطالعه مارتینز و دیوکز (۱۹۹۷)، تأثیر هویت قومی بر حرمت خود و اعتماد به خود در تعداد بسیار زیادی از نوجوانان (۱۲۳۸۶ نفر) قومیت‌های مختلف آمریکایی، اسپانیایی و آسیایی مطالعه و مورد تأیید قرار گرفت. رابطه هویت قومی جوانان کوبایی-آمریکایی و نیکاراگوئه‌ای-آمریکایی و بهزیستی روانشناختی (سیسلو، ۲۰۰۸) نشان داد افرادی که هویت قومی قوی‌تری داشتند، از حرمت خود بالاتری نیز برخوردار بودند. در پژوهشی در کشورمان نیز رابطه بین هویت جمعی و فردی با مؤلفه‌های بهزیستی، از جمله حرمت خود بین دختران و پسران دانشجو مورد

1. national identity
2. Kelman, H. C.
3. Béjar-Navarro, R., & Cappello, H. M.
4. Montero, M
5. Fischer, J.
6. Grossman, B.
7. Tzuriel, D., & Klein, M. M.

بررسی قرار گرفت و نتایج حاکی از آن است که در پسران، ارزیابی هویت فردی و جمعی نقش دو جانبه‌ای با حرمت خود دارد؛ اما در دختران، حرمت خود بیشتر با هویت جمعی معنا پیدا می‌کند (غضنفری، ۱۳۸۵).

مطالعه روی مهاجران نسل اول و یا نسل دوم در کشورهای غربی، یکی دیگر از رویکردهای بررسی رابطه هویت جمعی با شاخص‌های بهزیستی روانشناختی است. اغلب در این مطالعات با استفاده از مفهوم هویت قومی، مشکلات سازگاری مهاجران در مواجهه با فرهنگ جدید مورد بررسی قرار گرفته است؛ برای مثال غفران (۱۹۹۸)، تاثیر پذیرش فرهنگ کشور جدید (آمریکا) یا مقاومت در برابر آن را بر بهداشت روانی نسل دوم مهاجران ایرانی مورد مطالعه قرار داد. در این پژوهش، مشکلات سازگاری ناشی از مقاومت در برابر فرهنگ کشور جدید مورد تایید قرار گرفته است. همچنین، مشکلات سازگاری برای مهاجران پاکستانی که تلاش می‌کردند دارای دو هویت مسلمان - آمریکایی باشند، از سوی سرین^۱ و همکاران (۲۰۰۸) تایید شده است. در پژوهش دیگری که در مورد تاثیر فرهنگ کشور بیگانه روی هویت قومی و حرمت خود مردان مهاجر عرب انجام شد، نتایج حاکی از آن بود که مردان مهاجری که با افراد گروه خود ارتباط داشتند، نسبت به گروه دیگری که هم با اعراب و هم با آمریکایی‌ها رفت و آمد داشتند، هویت قومی بیشتری نشان دادند. گروه دوم که هویت دوگانه داشتند (هم عربی و هم آمریکایی)، به هویت قومی خاص، ارزش‌های دینی - خانوادگی و احساس تعلق / غرور قومی توجهی نداشتند و حرمت خود پایین‌تری را گزارش کردند (گود و ویلوگ بال، ۲۰۰۷). نتیجه این پژوهش، با نتایج تحقیق جتن، هاگ و مولین (۲۰۰۰) مبنی بر این که تعلق نداشتن فرد به یک گروه اجتماعی با حرمت خود کاهش یافته، رابطه دارد و همچنین، تحقیقات لری و همکاران (۱۹۹۵)، و هاترتون و وهز (۲۰۰۰) همسو است. در مورد رابطه دینداری و نفی دینداری با حرمت خود، مطالعات مختلفی صورت گرفته است. یزلدیک، ماتیسون و انیسمن (۲۰۱۰)، در یک مقاله مروری موضوع هویت اجتماعی را مورد بررسی قرار دادند. آنان معتقدند پژوهش‌های انجام شده در حوزه هویت اجتماعی، بیشتر بر اساس نژاد، جنسیت و ملیت بوده است و کمتر بر اساس دینداری گزارش شده‌اند. این پژوهشگران، با در نظر گرفتن جایگاه دین‌داری در «مفهوم خود»، معتقدند می‌توان دین‌داری (تعلق دینی) را به عنوان هویت اجتماعی در نظر گرفت (یزلدیک، ماتیسون و انیسمن، ۲۰۱۰). رابطه دین‌داری با حرمت خود در پژوهش‌های متعددی مورد بررسی قرار گرفته و به جز برخی از مطالعات انجام شده، مانند مطالعه باهر و مارتین (۱۹۸۳) که بین دین‌داری و حرمت خود رابطه‌ای به دست نیامد، سایر پژوهش‌ها به وجود رابطه بین دین‌داری و حرمت خود دست یافتند. البته برخی از مطالعات انجام شده، مانند مطالعه اسمیت و همکاران (۱۹۷۹) در

1. Sirin, S. R.

پنج گروه از آزمودنی‌های دارای فرهنگ متفاوت نیز به رابطه دین‌داری و حرمت خود بالا دست یافتند (به نقل از بیت اللحمی و آرچیل، ۱۹۹۷).

بررسی رابطه دین‌داری و سلامت روان از موضوعات قابل توجه روان‌شناسان است؛ برای مثال در یک فراتحلیل توسط بتسن و همکاران (۱۹۹۳) روی ۱۱۵ پژوهش، رابطه دین‌داری و تأمین سلامت روان مورد بررسی قرار گرفت (به نقل از بیت اللحمی و آرچیل، ۱۹۹۷). نتیجه این بررسی نشان داد که بین جهت‌گیری درونی دینی و سلامت روان رابطه مثبت و بین جهت‌گیری بیرونی دینی و سلامت روان در بیشتر پژوهش‌ها رابطه منفی وجود دارد. البته هاکنی و سندرز (۲۰۰۳) در یک فراتحلیل، رابطه دین‌داری و بهداشت روانی را مورد مطالعه قرار دادند و رابطه همبستگی قابل توجهی به دست نیاوردند. نتایج این پژوهش، حاکی از میانگین رابطه همبستگی ($r=0/10$) بود که چندان قابل توجه نیست. لازم به یادآوری است که در زمینه نفی دین‌داری و رابطه آن با ابعاد روانشناختی نیز مطالعات چندانی صورت نگرفته است. مطالعه ویلیامز، فرانسیس و رابینز (۲۰۰۶)، از معدود مطالعات در این حوزه است. این پژوهش نشان داد بین نفی دین‌داری مسیحیان و حرمت خود رابطه همبستگی منفی در آزمودنی‌های نوجوان مسیحی وجود دارد.

در مورد رابطه هویت ملی و هویت دینی با هویت فردی مطالعات مختلفی صورت گرفته است. مفاهیمی مانند هویت ملی (نوریس، ۲۰۰۸)، هویت قومی (شوارتز، ۲۰۰۸) و هویت دینی (یزلدیک، ماتیسون و انیسمن، ۲۰۱۰) از جمله مصادیق هویت جمعی هستند که به عنوان سازه‌های روانشناختی مورد توجه و رابطه آن‌ها با تحول هویت فردی (آمیوت، سابلونیر، تری و اسمیت، ۲۰۰۷) و بهزیستی روانشناختی (سیسلو، ۲۰۰۸) مورد مطالعه قرار گرفته است. برخی معتقدند هویت قومی، به صورت موازی با هویت فردی رشد می‌کند و شکل‌گیری هویت قومی، از مرحله عدم بررسی^۱، به سمت مرحله تعهد یا دستیابی پیش می‌رود (یو، ۲۰۰۵).

برخی دیگر نیز معتقدند هویت جمعی بر شکل‌گیری هویت فردی (منزلت‌های هویتی) تاثیرگذار است. این موضوع توسط پژوهشگران (فینی^۲، ۱۹۹۰؛ مارتینز و دیوکز^۳، ۱۹۹۷؛ فولتن^۴، ۱۹۹۷) مورد بررسی و تایید قرار گرفته است. در مورد تاثیر هویت ملی بر شکل‌گیری هویت من از دیدگاه روان تحلیل‌گری، کاپوتی (۱۹۹۶) معتقد است که چارچوب فرهنگی^۵ و زمینه‌های جغرافیایی-سیاسی، بر فرآیند شکل‌گیری هویت تاثیرگذارند. در همین راستا کروگر (۱۹۹۳)، ضمن اشاره به مطالعات مارشیا

1. unexamined
2. Phinney
3. Martineze, R.O., & Dukes, R.L.
4. Dukes, R.L.
5. cultural matrix

(۱۹۸۰)، تاثیر تغییرات تاریخی - اقتصادی - سیاسی در عادات و سنت‌ها و به پیروی از افزایش هویت سردرگم را مورد تایید قرار داده است.

از سوی دیگر، رابطه دین‌داری با منزلت‌های هویتی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. مارک اشتروم (۱۹۹۹) در مطالعه خود، رابطه جنبه‌های مختلف دین‌داری را با ابعاد مثبت تحول روانی اجتماعی اریکسون با استفاده از پرسشنامه جنبه‌های روانی-اجتماعی قوت من^۱، مورد بررسی قرار داد. نتیجه پژوهش وی، حاکی از رابطه مثبت بین امید، اراده و وفاداری با فعالیت‌های دینی بوده است. یافته دیگر مارک اشتروم (۱۹۹۹)، حاکی از عدم رابطه دین‌داری و منزلت‌های هویت عقیدتی نوجوانان با استفاده از پرسشنامه سنجش عینی هویت من آدامز و بنیون است که مورد انتظار نبود.

هویت من، یکی از شاخص‌های اصلی سازگاری روانشناختی است (یو، ۲۰۰۵). رابطه هویت یافتگی و حرمت خود نیز در پژوهش‌های مختلف توسط واترمن (۱۹۹۲) گزارش شده است. باید توجه داشت که حرمت خود، هدفمندی در زندگی، منبع کنترل و قدرتمندی من، مجموعه‌ای را با عنوان مؤلفه‌های سازگارانه عملکرد روانی اجتماعی تشکیل می‌دهند (کوته، ۱۹۹۷؛ شوارتز، کوته و آرت، ۲۰۰۵). در تحقیق دیگری که روی جوانان، برای بررسی رابطه بین مؤلفه‌های هویت من و حرمت خود انجام شد، این نتیجه گزارش شده است که افرادی هویت یافته^۲، به ویژه در حوزه‌های شغلی و عقیدتی از حرمت خود بالایی برخوردارند (بازاک و قوش، ۲۰۰۸). همچنین در یک بررسی از وضعیت هویت من، بین افراد در طول ۳۵ سال این‌گونه توصیف شده است که افراد هویت یافته^۳، سطوح بالاتری از تحول خود، حرمت خود و خودمختاری فردی را نشان می‌دهند (کروگر، ۲۰۰۰). در پژوهش شوارتز و همکاران (۲۰۰۹)، یکی از مواردی که مورد ارزیابی قرار گرفت ارتباط بین هویت فردی (من)^۴ با مولفه‌های سازگارانه عملکرد روانی اجتماعی از جمله حرمت خود بود. در این پژوهش، ۹۰۵ دانشجوی از نژادهای مختلف شرکت کردند. نتایج پژوهش ذکر شده نشان داد که هویت فردی بحران‌زده با مؤلفه‌های سازگارانه عملکرد روانی اجتماعی رابطه منفی دارد. البته این رابطه، به صورت مستقیم معنادار نبود و با میانجی بودن سردرگمی هویت، معنادار می‌شد (شوارتز، زامبوآنگا، وس کیرش و رودریگز، ۲۰۰۹).

مرور پیشینه پژوهش در زمینه رابطه مؤلفه‌های هویت ملی و هویت دینی با منزلت‌های هویتی چهارگانه مارشیا از یک سو و رابطه آن‌ها با حرمت خود از سوی دیگر، به طور عمده در کشورهای غربی و در فرهنگ مسیحیت انجام شده است. رابطه مستقیم و غیر مستقیم مؤلفه‌های هویت جمعی و هویت فردی با حرمت خود در کشور ما انجام نشده است. بنابراین، بررسی روابط ساختاری هویت ملی و هویت

1. Psychosocial Inventory of Ego Strength (PIES)
2. identity achievement status
3. mature
4. ego identity

دینی با حرمت خود از طریق متغیر واسطه منزلت‌های هویتی مساله پژوهش حاضر به شمار می‌رود. بر اساس این تحلیل فرضیه‌های پژوهش حاضر در دو قسمت به صورت زیر مورد بررسی قرار گرفتند:

- الف- فرضیه‌های مربوط به بررسی رابطه پذیرش هویت ملی و دینی با حرمت خود:
- ۱- بین پذیرش هویت ملی و دینی با حرمت خود رابطه مثبت وجود دارد؛ ۲- پذیرش هویت ملی و هویت دینی، با واسطه‌گری منزلت‌های هویتی دنباله‌روی و هویت یافتگی با حرمت خود رابطه دارد.
- ب- فرضیه‌های مربوط به بررسی رابطه نفی هویت ملی و دینی با حرمت خود:
- ۱- بین نفی هویت ملی و نفی هویت دینی با حرمت خود رابطه منفی وجود دارد؛ ۲- نفی هویت ملی و نفی هویت دینی با واسطه‌گری منزلت‌های هویتی سردرگمی و بحران زدگی با حرمت خود رابطه دارد.

روش

باتوجه به این که بیشتر فرضیه‌های پژوهش حاضر به بررسی تحولی هویت «من»، هویت دینی و هویت ملی مربوط می‌شود، نوع پژوهش حاضر تحولی پیمایشی است. البته بخش محدودی از فرضیه‌های طرح حاضر به بررسی رابطه همبستگی بین متغیرهای هویت دینی و ملی با حرمت خود اختصاص یافته است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری مطالعه حاضر را دانشجویان سال اول تاچهارم دوره کارشناسی دانشگاه تهران تشکیل دادند. نمونه‌گیری بر اساس روش غیراحتمالی^۱ خوشه‌ای بوده است. واحد نمونه‌گیری مطالعه حاضر به صورت انتخاب کلاس‌ها از دانشکده‌های انتخاب شده بوده است. دو دانشکده از دانشکده‌های علوم انسانی دانشگاه تهران نمونه مطالعه حاضر را تشکیل دادند. از میان دانشکده‌های واقع در پردیس مرکزی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی و از میان دانشکده‌های پردیس کارگر شمالی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی انتخاب شدند. آزمودنی‌ها از دانشکده ادبیات و علوم انسانی در رشته‌های مختلف زبان و ادبیات عرب، جغرافیا در سه گرایش انسانی، طبیعی و کارتوگرافی، باستان‌شناسی و تاریخ و از دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران در رشته‌های روان‌شناسی، کودکان استثنایی و گرایش‌های مختلف علوم تربیتی، جامعه پژوهش حاضر را تشکیل دادند. تعداد ۵۴۲ نفر در این پژوهش شرکت داشتند که پرسشنامه‌های ۳۵۲ نفر از آنان در تجزیه و تحلیل مورد استفاده قرار گرفت. ابتدا پرسشنامه‌های کوتاه

1. accidental

و در ادامه، پرسشنامه‌های بلند در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت. مقادیر گویه‌های تکمیل نشده پرسشنامه‌ها (داده‌های حاصل نشده)^۱ از طریق الگوریتم EM برآورد شد.

ابزار سنجش

در پژوهش حاضر، از پرسشنامه‌های گسترش یافته سنجش عینی منزلت هویت من (EOM-EIS-2)، پرسشنامه سنجش حرمت خود، پرسشنامه هویت دینی (اسلامی) و پرسشنامه هویت ملی (ایرانی) استفاده شده است.

پرسشنامه سنجش عینی هویت من (EOM-EIS-2): برای سنجش چهار منزلت

هویتی سر در گم، دنباله‌رو، بحران زده و هویت یافته از ترجمه پرسشنامه گسترش یافته سنجش عینی هویت من آدامز و بنیون استفاده شد. این پرسشنامه در بخش عقیدتی، چهار محتوای شغل، سیاست، فلسفه زندگی و مذهب را با مجموع ۳۲ سوال شامل می‌شود. در بخش هویت بین شخصی نیز چهار حیطة نقش جنسی، انتخاب دوست، تفریح و وعده ملاقات با جنس مخالف^۲ در نظر گرفته شده است. تعداد سوالات این بخش نیز مانند بخش عقیدتی ۳۲ سوال و در کل، پرسشنامه ۶۴ سوال دارد. این پرسشنامه توسط رحیمی نژاد (۱۳۷۹) بومی سازی و هنجاریابی شده است.

پرسشنامه حرمت خود کوپراسمیت^۳: کوپراسمیت (۱۹۸۱)، با بررسی اعتبار و روایی

پرسشنامه حرمت خود این پرسشنامه را دارای اعتبار و روایی قابل قبول دانسته است. نتایج این مطالعه که روی بزرگسالان صورت گرفته است، حاکی از ضریب اعتبار ثبات درونی ۰/۹۰ و نیز همبستگی هر سوال با بقیه سوالات آن مقیاس، در حد قابل قبولی است. محتوای سوالات پرسشنامه حرمت خود کوپر اسمیت به جنبه‌های حرفه‌ای، خانوادگی، اجتماعی و عمومی حرمت خود مربوط می‌شود. درباره روایی این پرسشنامه نیز کوپر اسمیت در یک مطالعه تحلیل عاملی به سه عامل دست یافته است. عامل اول، عامل عمومی حرمت خود؛ عامل دوم، عامل خانوادگی حرمت خود و عامل سوم عامل اجتماعی حرمت خود بوده است. پرسشنامه حرمت خود بزرگسالان که در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفته، توسط دادستان ترجمه و در سال ۱۳۷۷ برای استفاده در پژوهش حاضر در اختیار قرار گرفته است. این پرسشنامه ۵۸ سوال دارد که ۸ سوال آن به مقیاس دروغ سنج اختصاص دارد.

1. missing data
2. dating
3. Coopersmith Self-esteem Inventory

پرسشنامه هویت دینی: ۶۷ سوال دارد. ۳۲ سوال این پرسشنامه به مقیاس هویت دینی و ۲۵ سوال به نفی هویت دینی و ۱۰ سوال آن به مقیاس دروغ سنج مربوط می‌شود. مقیاس هویت دینی شامل اعتقاد به نقش مثبت دین و به خصوص اسلام بر زندگی بهتر انسان، احساس خوشحالی و افتخار از مسلمان بودن و عمل به دستورات اسلامی و یاری مسلمانان سایر کشورها است. مقیاس نفی هویت دینی، شامل اعتقاد نداشتن به نقش دین در حل مشکلات انسان، ضروری نداشتن و انجام دستورات دینی و انجام فرایض دینی به صورت اختیاری است (رحیمی نژاد و احمدی، ۱۳۷۴). اعتبار ضریب آلفای کرونباخ در مقیاس هویت دینی ۰/۹۰، و در مقیاس نفی هویت دینی، ۰/۸۴ به دست آمده است. همچنین، دو مقیاس هویت دینی و نفی هویت دینی به عنوان دو عامل پس از تحلیل عاملی ۹۰ سوال که هویت دینی را مورد سنجش قرار می‌داد، استخراج شده است. استخراج دو عامل پس از تحلیل عاملی سوالات هویت دینی، تاییدکننده روایی سازه دو متغیر هویت دینی و نفی هویت دینی است.

پرسشنامه هویت ملی: ۲۸ سوال دارد. ۱۴ سوال این پرسشنامه به مقیاس هویت ملی و ۱۴ سوال دیگر آن به نفی هویت ملی مربوط می‌شود. مقیاس هویت ملی، شامل احساس تعلق به کشور ایران، علاقه‌مندی به زندگی در آن، خود باوری ملی ایرانیان در حل مشکلات کشور، پذیرش نقش برجسته برای فرهنگ و تمدن کشور در پیشینه تاریخی آن و برداشت مثبت از شخصیت ایرانی است. مقیاس نفی هویت ملی، شامل احساس تعلق نداشتن به کشور ایران، علاقه‌مندی به زندگی در کشور دیگر، خودباوری ملی نداشتن ایرانیان در حل مشکلات کشور، افتخار نکردن به ایرانی بودن و برداشت منفی از شخصیت ایرانی است (رحیمی نژاد و احمدی، ۱۳۷۴). اعتبار ضریب آلفای کرونباخ هویت ملی ۰/۸۱ و مقیاس نفی هویت ملی ۰/۶۷ گزارش شده است. همچنین، روایی سازه این دو مقیاس در مطالعه مذکور با استفاده از روش تحلیل عاملی مورد بررسی و به دو عامل هویت ملی و نفی هویت ملی منجر شده است.

پرسشنامه هویت دینی: این پرسشنامه ۶۷ سوال دارد. ۳۲ سوال آن به زیر مقیاس پذیرش هویت دینی و ۲۵ سوال به زیر مقیاس نفی هویت دینی و ۱۰ سوال آن به مقیاس دروغ سنج مربوط می‌شود. اعتبار ضریب آلفای کرونباخ مقیاس پذیرش هویت دینی، ۰/۹۰ و در مقیاس نفی هویت دینی، ۰/۸۴ در دانش‌آموزان به دست آمده است. همچنین، این پرسشنامه از نظر روایی سازه نیز در تحلیل عاملی اکتشافی دو عامل را نشان داد (رحیمی نژاد و احمدی ۱۳۷۴).

یافته‌ها

الف- رابطه پذیرش هویت ملی و دینی با حرمت خود

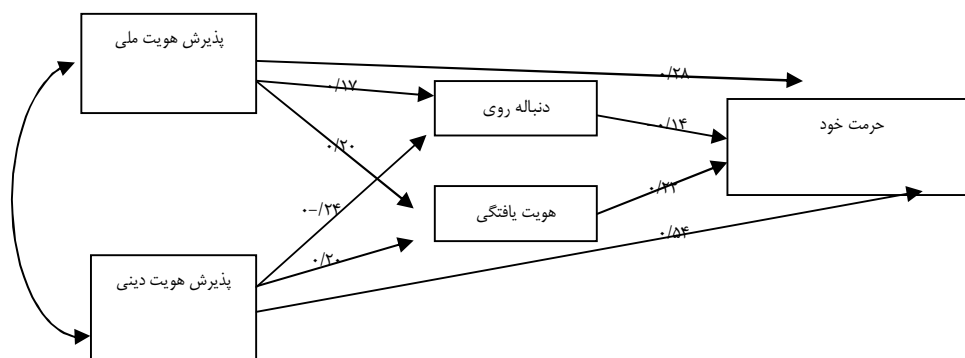
در پژوهش حاضر، رابطه بین پذیرش هویت ملی، هویت دینی، هویت من با دو منزلت دنباله‌روی و هویت یافتگی با حرمت خود بررسی شد. جدول زیر نتایج همبستگی را نشان می‌دهد.

جدول ۱- آماره‌های توصیفی و ماتریس همبستگی هویت ملی، هویت دینی، هویت من با حرمت خود

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	۱	۲	۳	۴	۵
۱ پذیرش هویت ملی	۲۵/۳۹	۲/۲۷	-				
۲ پذیرش هویت دینی	۵۸/۳۲	۶/۰۶	۰/۳۵**	-			
۳ دنباله روی	۴۳/۰۱	۱۲/۰۳	۰/۲۳**	۰/۲۸**	-		
۴ هویت یافتگی	۴۶/۹	۸/۸۷	۰/۴۶**	۰/۱۶**	-۰/۲۳**	-	
۵ حرمت خود	۷۰/۹۲	۷/۲۸	۰/۲۷**	۰/۴۸**	-۰/۴۳**	۰/۲۷**	-

**p<۰/۰۱

بر اساس تحلیل مسیر انجام شده، الگوی ساختاری همانند نمودار شماره ۱ روابط بین هویت ملی، دینی و فردی با حرمت خود را نشان می‌دهد.



نمودار ۱- الگوی تحلیل مسیر پذیرش هویت ملی، هویت دینی، دنباله‌روی، هویت یافتگی و حرمت خود

به منظور بررسی اثر متغیرهای برون‌زاد هویت ملی و دینی هویت بر متغیر درون‌زاد حرمت خود، با توجه به نقش واسطه‌ای متغیرهای منزلت‌های هویتی از تحلیل مسیر استفاده شد که در جدول شماره ۲، نتایج مربوط به اثرهای مستقیم ذکر شده است. میزان همبستگی در تمام متغیرها در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

جدول ۲- برآورد مسیرهای ساختاری (اثرهای مستقیم) الگوی حاصل از تحلیل محتوا

مسیرهای ساختاری	β	t
اثر هویت ملی بر دنباله روی	۰/۱۷	۳/۰۲**
اثر هویت ملی بر هویت یافتگی	۰/۲	۴/۱۷**
اثر هویت ملی بر حرمت خود	۰/۲۸	۳/۹۸**
اثر هویت دینی بر دنباله روی	۰/۲	۲/۱۵**
اثر هویت دینی بر هویت یافتگی	۰/۲	۳/۳۸**
اثر هویت دینی بر حرمت خود	۰/۵۴	۱۰/۶۹**
اثر دنباله روی بر حرمت خود	-۰/۱۴	-۲/۱۱**
اثر هویت یافتگی بر حرمت خود	۰/۲۲	۳/۴۸**

** $p < ۰/۰۱$

همانگونه که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، تمامی مسیرهای مستقیم پذیرش هویت ملی و دینی و منزلت‌های هویتی بر حرمت خود معنادار است ($P < ۰/۰۱$).

نتایج اثر غیر مستقیم هویت ملی با واسطه‌گری دنباله‌روی و هویت یافتگی از مؤلفه‌های هویت فردی (من) در تحلیل در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳- برآورد مسیرهای ساختاری (اثرهای غیرمستقیم) هویت ملی و هویت دینی بر حرمت خود

مسیرهای ساختاری	β	Z_{sob}	p
اثر هویت ملی بر حرمت خود با واسطه‌گری دنباله روی	-۰/۰۲	-۲/۶۹	۰/۰۷
اثر هویت ملی بر حرمت خود با واسطه‌گری هویت یافتگی	۰/۰۴	۲/۸	۰/۰۰۵
اثر هویت دینی بر حرمت خود با واسطه‌گری دنباله روی	۰/۰۳	۲/۵۴	۰/۰۱۱
اثر هویت دینی بر حرمت خود با واسطه‌گری هویت یافتگی	۰/۴۴	۴/۳۹	۰/۰۰۱

اثر کل هویت ملی روی حرمت خود که در آن، مجموع اثرهای مستقیم و غیرمستقیم آن با توجه به مقادیر جدول ۲ و ۳، به دست آمد و اثر کل هویت دینی، روی حرمت خود مجموع اثرهای مستقیم و غیرمستقیم آن با توجه به مقادیر جدول ۲ و ۳، به دست آمد.

همان‌طور که در جدول شماره ۴ ملاحظه می‌شود میزان خیی دو (χ^2) معنادار نیست ($p = ۰/۲۳$) و مقدار χ^2 نرم شده $۲/۳۲$ بین یک تا پنج بوده که برآزش مطلوب مدل را نشان می‌دهد (شوماخر و لوماکس، ۱۹۹۶)، سایر شاخص‌های برازندگی نیز نشان دهنده برآزش قابل قبول است.

جدول ۴- شاخص‌های برازش

CFI	AGFI	GFI	RMSEA	χ^2/df	df	p	χ^2
۰/۹۵	۰/۹۳	۰/۹۶	۰/۰۰۱	۲/۳۲	۱	۰/۲۳	۲/۳۲

گروه دیگر از متغیرها که رابطه‌شان با حرمت خود مورد بررسی قرار گرفت، نفی هویت ملی و نفی هویت دینی به همراه مؤلفه‌های هویت من بود. نتایج همبستگی در جدول شماره ۵ ذکر گردیده است.

جدول ۵- آماره‌های توصیفی و ماتریس همبستگی متغیرهای نفی هویت ملی، نفی هویت دینی، هویت من با حرمت خود

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	۱	۲	۳	۴	۵
۱ نفی هویت ملی	۱۷/۲	۲/۸۲	-				
۲ نفی هویت دینی	۲۹/۵۲	۴/۷۹	۰/۵۹**	-			
۳ سردرگمی	۴۷/۰۸	۱۰/۳۹	۰/۳۳**	۰/۳۵**	-		
۴ بحران زدگی	۵۵/۴۷	۱۰/۳۲	۰/۲۶**	۰/۲۳**	۰/۴۳**	-	
۵ حرمت خود	۷۰/۹۲	۷/۲۸	۰/۲۲**	۰/۲۹**	۰/۲۴**	۰/۲۱**	-

**p<۰/۰۱

ب- رابطه نفی هویت ملی و دینی با حرمت خود

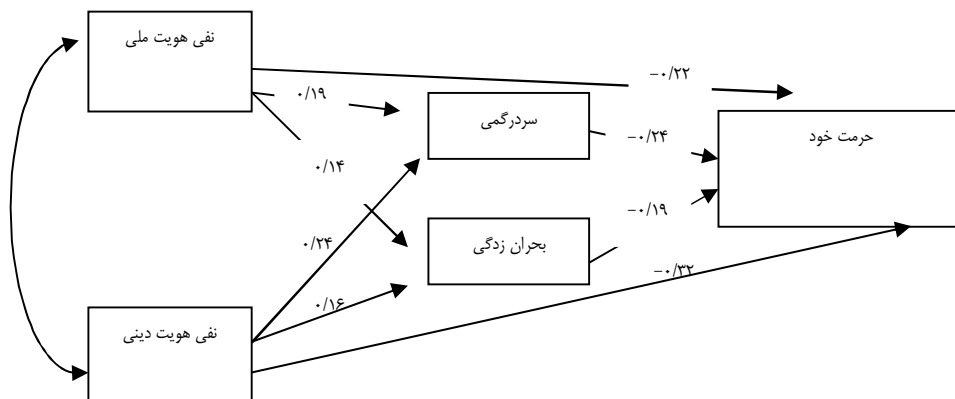
به منظور بررسی اثر عامل‌های نفی هویت بر حرمت خود، از طریق دو منزلت سردرگمی و بحران زدگی از تحلیل مسیر استفاده شد که در جدول شماره ۶، نتایج مربوط به اثرهای مستقیم ذکر شده است. میزان همبستگی در تمام متغیرها در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

جدول ۶- برآورد مسیرهای ساختاری (اثرهای مستقیم) الگوی حاصل از تحلیل محتوا نفی هویت ملی و نفی هویت دینی بر حرمت خود

t	β	مسیرهای ساختاری
۳/۱۵**	۰/۱۹	اثر نفی هویت ملی بر سردرگمی
۳/۲۲**	۰/۱۴	اثر نفی هویت ملی بر بحران زدگی
-۳/۷۳**	-۰/۲۲	اثر نفی هویت ملی بر حرمت خود
۳/۹**	۰/۲۴	اثر نفی هویت دینی بر سردرگمی
۳/۵۶**	۰/۱۶	اثر نفی هویت دینی بر بحران زدگی
-۵/۰۵**	-۰/۳۲	اثر نفی هویت دینی بر حرمت خود
-۳/۹۴**	-۰/۳۴	اثر سردرگمی بر حرمت خود
-۳/۱۲**	-۰/۱۹	اثر بحران زدگی بر حرمت خود

**p<۰/۰۱

با توجه به تحلیل مسیر رابطه بین متغیرهای نفی هویت ملی، دینی با متغیرهای واسطه سردرگمی و هویت بحران زدگی با حرمت خود به صورت نمودار شماره ۲ نشان داده شده است.



نمودار ۲- الگوی معادلات ساختاری نفی هویت ملی، نفی هویت دینی، سردرگمی، بحران زندگی و حرمت خود

نتایج بررسی رابطه نفی هویت ملی و نفی هویت دینی با حضور متغیرهای واسطه سردرگمی و بحران زندگی از مولفه‌های هویت من در تحلیل مسیر در جدول ۷ ذکر شده است.

جدول ۷- برآورد مسیرهای ساختاری (اثرهای غیرمستقیم) نفی هویت ملی و دینی

با توجه به هویت من بر حرمت خود			
p	Z _{sob}	β	مسیرهای ساختاری
۰/۰۱۷	-۲/۳۹	-۰/۰۴	اثر نفی هویت ملی بر حرمت خود با واسطه‌گری سردرگمی
۰/۰۱۶	-۲/۴۱	-۰/۰۳	اثر نفی هویت ملی بر حرمت خود با واسطه‌گری بحران زندگی
۰/۰۰۱	-۳/۵۴	-۰/۰۶	اثر نفی هویت دینی بر حرمت خود با واسطه‌گری سردرگمی
۰/۰۰۴	-۲/۸۹	-۰/۰۳	اثر نفی هویت دینی بر حرمت خود با واسطه‌گری بحران زندگی

اثر کل نفی هویت ملی و نفی هویت دینی بر روی حرمت خود که در آن، هم اثر مستقیم و هم اثر غیرمستقیم از طریق مؤلفه‌های سردرگمی و بحران زندگی لحاظ شده است، به ترتیب مقادیر ۰/۲۹ و ۰/۴۱ را نشان می‌دهد.

شاخص‌های برازش مدل در جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که میزان خنثی دو (χ^2) معنادار نیست ($p=0/23$) و مقدار χ^2 نرم شده ۴/۵۳ است که بین یک تا پنج بوده و برازش مدل را نشان می‌دهد، بقیه شاخص‌ها نیز همگی نشان دهنده برازش مطلوب مدل هستند.

جدول ۸- شاخص‌های برازندگی

CFI	AGFI	GFI	RMSEA	χ^2/df	df	p	χ^2
۰/۹۴	۰/۹۱	۰/۹۳	۰/۰۰۲	۴/۵۳	۱	۰/۲۳	۴/۵۳

به طور کلی در نتایج نشان داده شد که مدل ارائه شده درباره ارتباط بین هویت ملی، دینی و فردی (مؤلفه‌های دنباله‌روی و هویت یافتگی) با حرمت خود برازش دارد. به همین ترتیب رابطه نفی هویت ملی، دینی به همراه سردرگمی و بحران‌زدگی (زیر مجموعه هویت من) نیز ساختاری را با برازش معنادار نشان می‌دهد.

بحث

یافته‌های مربوط به فرضیه اول ارائه شده در جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، پذیرش هویت ملی با حرمت خود همبستگی مثبت معنادار دارد. این یافته پژوهش حاضر با پژوهش گود و ویلوگ بال (۲۰۰۷)، مینی بر رابطه مثبت هویت قومی و حرمت خود مهاجران عرب و همین‌طور با نتایج پژوهش، هایپل و فیشر^۱ (۱۹۸۰)؛ گروسمن^۲ و همکاران (۱۹۷۹) و تزوریل و کلاین^۳ (۱۹۷۷)؛ به نقل از بومیستر و موراون، (۱۹۹۶)، حاکی از وجود رابطه مثبت بین هویت قومی و حرمت خود، هماهنگ است. همچنین نتایج تحقیق جتن، هاگ و مولین (۲۰۰۰) نیز مبنی بر این که تعلق نداشتن فرد به یک گروه اجتماعی با حرمت خود کاهش یافته رابطه دارد، تایید شد.

قسمت دوم فرضیه اول، مبنی بر رابطه مثبت بین پذیرش هویت دینی و حرمت خود با توجه به یافته‌های جدول ۱ تایید می‌شود. یافته‌های این قسمت از مطالعه حاضر با یافته‌های فراتحلیل بتسن و همکاران در سال ۱۹۹۳ (به نقل از بیت اللحمی و آرجیل، ۱۹۹۷) روی ۱۱۵ پژوهش هماهنگ است. یافته‌های پژوهش مذکور، مبنی بر رابطه دین‌داری و سلامت روان نشان داد که بین جهت‌گیری درونی دینی و برخورداری از حرمت خود بالا هماهنگی وجود دارد. یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج مطالعه اسمیت و همکاران (۱۹۷۹) نیز همخوان است. یافته‌های وی در پنج گروه از آزمودنی‌های دارای فرهنگ متفاوت نشان داد که بین دین‌داری و حرمت خود بالا رابطه وجود دارد. یافته‌های پژوهش حاضر فقط با نتایج مطالعه باهر و مارتین (۱۹۸۳) که بین دینی بودن و حرمت خود رابطه‌ای به دست نیامد، ناهماهنگ است. نکته دیگر در یافته‌های مربوط به فرضیه اول، میزان همبستگی بالاتر پذیرش هویت دینی با حرمت خود (I=۰/۴۸) در مقایسه با همبستگی پذیرش هویت ملی باحرمت خود (I=۰/۲۷) است. این یافته پژوهش حاضر، نقش بیشتر پذیرش دین در بهداشت روانی دانشجویان را نشان می‌دهد. یکی از

1. Fischer, J.
2. Grossman, B.
3. Tzuriel, D., & Klein, M. M.

تیبین‌های احتمالی که در زمینه رابطه بین دین‌داری و سطح حرمت خود بالا می‌توان مطرح کرد، توجه به ارزش فردی در متون دینی است.

در مورد فرضیه شماره ۲ مبنی بر رابطه ساختاری پذیرش هویت ملی و دینی با حرمت خود از طریق هویت یافتگی و دنباله‌روی می‌توان به شاخص آرایه شده در جدول ۴ اشاره کرد. بر اساس شاخص‌های این جدول مدل مطرح شده دارای برآزش است. مدل مطرح شده امکان مقایسه مقدار اثرهای مستقیم و غیرمستقیم بررسی متغیرهای برون‌زاد و درون‌زاد را فراهم می‌آورد. با توجه به یافته‌های جدول ۲ و ۳، میزان اثرهای مستقیم و غیرمستقیم پذیرش هویت ملی بر روی حرمت خود به مقدار ۰/۳۴ است در حالی که اثرهای مستقیم و غیرمستقیم پذیرش هویت دینی بر حرمت خود ۰/۶۱ است. با مقایسه دو مقدار اثر مستقیم و غیرمستقیم این دو رابطه پذیرش هویت دینی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی بیشتری نسبت به پذیرش هویت ملی نشان می‌دهد.

نکته دیگری که در ضرایب مسیر غیرمستقیم پذیرش هویت دینی از طریق دنباله روی بر حرمت خود وجود دارد، رابطه منفی پیش‌بینی‌کنندگی آن بر حرمت خود است. علت قراردادن منزلت هویتی دنباله‌روی همراه منزلت هویت یافتگی شباهت هردو از جهت تعهد به هویت خودشان است. به نظر می‌رسد افراد دنباله رو علی‌رغم مشخص بودن تکلیفشان از سطح پایینی از حرمت خود برخوردارند.

اگرچه مدل تایید شده در پژوهش حاضر در مطالعات دیگر یافت نشد، اما می‌توان یافته‌های مربوط به رابطه متغیرهایی که در پژوهش حاضر به صورت ساختاری تایید شده را با رابطه‌های همبستگی دو به دو پژوهش‌های دیگران مقایسه کرد. در این راستا، در مورد مقایسه یافته‌های پژوهش حاضر را با یافته‌های واترمن (۱۹۹۲)، کروگر (۲۰۰۰)، بازاک و قوش (۲۰۰۸) و شوارتز و همکاران (۲۰۰۹)، مبنی بر رابطه مثبت هویت یافتگی و حرمت خود هماهنگ است. در خصوص رابطه دنباله‌روی و حرمت خود نیز پژوهش مورد توجهی جهت مقایسه یافت نشد.

یافته‌های مربوط به قسمت اول فرضیه ۳ ارائه شده در جدول شماره ۵ نشان می‌دهد، نفی هویت ملی با حرمت خود همبستگی مثبت معنادار دارد. این یافته با یافته‌های گود و ویلوگ بال (۲۰۰۷) مبنی بر پایین بودن حرمت خود در مردان مهاجر عرب که با افراد گروه خود ارتباط نداشتند هماهنگی دارد. همچنین با نتایج مطالعه جتن، هاگ و مولین (۲۰۰۰) مبنی بر این که تعلق نداشتن فرد به یک گروه اجتماعی با حرمت خود کاهش یافته رابطه دارد و همچنین تحقیقات لری و همکاران (۱۹۹۵)، و هاترتون و وهز (۲۰۰۰) نیز همسو است.

یافته‌های قسمت دوم فرضیه ۳ مبنی بر رابطه منفی بین نفی هویت دینی و حرمت خود با توجه به یافته‌های جدول ۵ تایید می‌شود. یافته‌های این قسمت از مطالعه حاضر با یافته‌های دیگر بررسی شد. متأسفانه در زمینه نفی دین‌داری و رابطه آن با ابعاد روانشناختی نیز مطالعات چندانی صورت نگرفته است. مطالعه ویلیامز، فرانسویس و رابینز (۲۰۰۶) از معدود مطالعات در این حوزه است. این پژوهش نشان داد

بین نفی دینداری مسیحیت و حرمت خود رابطه همبستگی منفی در آزمودنی‌های نوجوان مسیحی وجود دارد.

در مورد فرضیه شماره ۴ مبنی بر رابطه ساختاری نفی هویت ملی و دینی با حرمت خود از طریق بحران زدگی و سردرگمی می‌توان به شاخص ارایه شده در جدول ۸ اشاره کرد. براساس شاخص‌های این جدول به جز شاخص نسبت خی دو به درجه آزادی سایر شاخص‌ها حاکی از برازش مدل است. اثر کل نفی هویت ملی و نفی هویت دینی روی حرمت خود که در آن هم اثر مستقیم و هم اثر غیرمستقیم، از طریق مؤلفه‌های سردرگمی و بحران زدگی لحاظ شده است، به ترتیب مقادیر ۰/۲۹ و ۰/۴۱ را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، نفی هویت دینی مقدار بیشتری از این رابطه را پیش‌بینی می‌کند. تحقیق مشابهی از نظر نحوه بررسی رابطه ساختاری بین نفی هویت ملی و نفی هویت دینی با واسطگی سردرگمی و بحران‌زدگی مشاهده نشده است؛ اما یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش‌های دیگر از نظر همبستگی دو به دو را می‌توان مقایسه کرد؛ برای مثال، در پژوهش شوارتز و همکاران (۲۰۰۹)، یکی از مواردی که مورد ارزیابی قرار گرفت ارتباط بین هویت فردی (من) با مؤلفه‌های سازگارانه عملکرد روانی اجتماعی رابطه منفی دارد. البته این رابطه به صورت مستقیم معنادار نبود و با میانجی بودن سردرگمی هویت معنادار می‌شد.

به طور کلی می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که نفی هویت دینی و نفی هویت ملی بیانگر طرد فرهنگ خودی است که با منزلت‌های هویتی سردرگمی و بحران زدگی رابطه مثبت و با حرمت خود رابطه منفی دارد. این یافته‌ها تاییدی است بر تاثیر عوامل فرهنگی، تاریخی و اجتماعی بر مقوله هویت فردی. این یافته‌ها دیدگاه‌های اریکسون (۱۹۶۸)، کروگر (۱۹۹۳) و به خصوص، کوته و لوین (۱۹۸۷) بر ضرورت توجه به جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی اثرگذار بر هویت را مورد تایید قرار می‌دهد. با توجه به این که مقیاس نفی هویت ملی و دینی بر اساس فرهنگ ایرانی و اسلامی تهیه شده است، از جهتی شاید کاملاً قابل مقایسه با یافته‌های مطالعات غربی نباشد، اما به هر حال می‌توان این‌طور نتیجه‌گیری کرد که نفی فرهنگ خودی بر سردرگمی هویتی و بحران هویت افراد تاثیر مثبت دارد.

در پژوهش حاضر، بررسی رابطه ساختاری مؤلفه‌های هویت ملی و دینی با حرمت خود به عنوان شاخص بهزیستی روانشناختی مورد مطالعه قرار گرفت. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی، رابطه مؤلفه‌های هویت ملی و دینی با متغیرهایی مانند اضطراب به عنوان شاخص ناسازگاری مورد مطالعه قرار گیرد. با توجه به نقش مهم پذیرش فرهنگ خودی در تحول «هویت من» و نیز حرمت خود دانشجویان، پیشنهاد می‌شود مشابه این پژوهش در جامعه دانش‌آموزی مورد مطالعه قرار گیرد. لازم است عوامل موثر بر نفی هویت ملی و نیز نفی هویت دینی از سوی برنامه‌ریزان فرهنگی کشور مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- رحیمی نژاد، ع.، و احمدی، ع. ا. (۱۳۷۴). مطالعه تحلیلی و علی هویت‌یابی نوجوانان ایرانی و رابطه آن با ساخت اجتماعی، اقتصادی و تحصیلی خانواده در دانش‌آموزان دختر و پسر نوجوان تهرانی. تهران: معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش.
- رحیمی نژاد، ع. (۱۳۷۹). بررسی تحولی هویت و رابطه آن با حرمت خود و حالت اضطراب در دانشجویان دوره کارشناسی. رساله دوره دکترای روانشناسی. دانشگاه تربیت مدرس.
- غضنفری، ف. (۱۳۸۵). بررسی مقایسه‌ای بهزیستی دانشجویان دختر و پسر برحسب ارزیابی از هویت اجتماعی و هویت فردی. فصلنامه اصول بهداشت روانی، ۸، ۱۳۰-۱۳۳.

References

- Adams, G. R., Bennion, L., & Huh, K. (1989). *Objective Measure of Ego Identity Status: a reference manual*. University of Guelph, Guelph. Ontario N1G2W1.
- Amiot, C. E., de la Sablonnière, R., Terry, D. J., & Smith, J. R. (2007). Integration of social identities in the self: Toward a cognitive-developmental model. *Personality and Social Psychology Review, 11*, 364-388.
- Bahr, H. M., & Martin, T. K. (1983). And thy neighbour as thy self: Self-esteem and faith in people as correlates of religiosity and family solidarity among middletown high school students. *Journal for the Scientific Study of Religion, 22*, 132-144.
- Barry, D. T. (2005). Meaning acculturation among male Arab immigrants in the United States: an exploratory study. *Journal of Immigrant Health, 7*, 179-184.
- Basak, R., & Ghosh, A. (2008). Ego-identity status and its relationship with self-esteem in a group of late adolescents. *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology, 34*, 337-344.
- Baumeister, R. F., & Muraven, M. (1996). Identity as adaptation to msocial, cultural, historical context. *Journal of adolescence, 19*, 405-416.
- Beit- Hallahmi, B., & Argyle, M. (1997). *The psychology of religious behavior belief and experience*. London and New York: Routledge.
- Berzonsky, M. D. (1989). Identity style: Conceptualization and measurement. *Journal of Adolescent Research, 4*, 268-282.
- Bracey, J. R., Bamaca, M. Y., & Umana-Taylor, A. J. (2004). Examining ethnic identity and self-esteem among biracial and monoracial adolescents. *Journal of Youth and Adolescence, 33*, 123-132.
- Caputi, M. (1996). National identity in contemporary. *Political Psychology, 17*, 683-684.

- Cislo, A. M. (2008). Ethnic Identity and Self-Esteem: Contrasting Cuban and Nicaraguan Young Adults. *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*, 30, 230-250.
- Coopersmith, S. (1981). *The antecedents of self-esteem*. Palo Alto, CA: Consulting Psychologists Press
- Cote, J. S., & Levine, C. (1987). A formulation of Erikson's theory of ego identity formation. *Developmental Review*, 7, 273-325.
- Côté, J. E. (1997). An empirical test of the identity capital model. *Journal of Adolescence*, 20, 421-437.
- Diaz-Guerrero, R. (1997). Toward a psychological nationalism, peace and conflict: *Journal of Peace Psychology*, 3, 377-382.
- Erikson, E. H. (1963). *Child and society* (2nd edition). New York : Penguin Books Ltd, Harmondsworth
- Erikson, E. H. (1968). *Youth identity and crisis*. London: Faber and Faber.
- Fulton, A. S. (1997). Identity status, religious orientation, and prejudice. *Journal of Youth and Adolescence*, 26, 1-11.
- Ghaffarian, Sh. (1998). The acculturation of Iranian immigrants in the United States and the implications for mental health. *The Journal of Social Psychology*, 138, 645-654.
- Good, M., & Willoughby, T. (2007). The identity formation experiences of church- attending rural adolescents. *Journal of Adolescent Research*, 22, 387-412.
- Hackney, Ch., H., & Sanders, G. S. (2003). Religiosity and mental health: A meta-analysis of recent studies. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 42, 43-55
- Heatherton, T., & Vohs, K. D. (2000). Interpersonal evaluations following threats to self: role of self-esteem. *Journal of Personality and Social Psychology*, 78, 725-736.
- Jetten, J., Hogg, M. A., & Mullin, B. (2000). In-group variability and motivational to reduce subjective uncertainty. *Group Dynamic*, 4, 184-198.
- Kroger, J. (1993). *Discssion on Ego Identity*. New Jersey: Lawrence Erlbaum Associations, Publishers Hillsale.
- Kroger, J. (2000). Ego identity status research in the new millennium. *International Journal of Behavioral Development*, 24, 145-148
- Leary, M., Tambor, E., Terdal, S., & Downs, D. (1995). Self-esteem as an interpersonal monitor: the sociometer hypothesis. *Journal of Personality and Social Psychology*, 68, 518-530.
- Marcia, J. E. (1966). Development and validation of ego identity status. *Journal of Personality and Social Psychology*, 3, 551-558.

- Marcia, J. E. (1980). *Identity in adolescence in Handbook of adolescent psychology*. (ed. by Adelson, J, 1980). New York: John Willy and Sons.
- Markstrom, C. A. (1999). Religious involvement and adolescent psychosocial Development. *Journal of Adolescence*, 22, 205-221.
- Martinez, R. O., & Dukes R. L. (1997). The effects of ethnic identity, ethnicity and gender on adolescent well-being. *Journal of Youth and Adolescence*, 26, 503-516.
- Norris, S., A., Roeser, R. W., Richter, L. M., Lewin, N., Ginsburg, C., Fleetwood, S. A., & Taole, E. (2008). South African-ness Among Adolescents: The emergence of a collective identity within the birth to twenty cohort study. *Journal of Early Adolescence*, 28, 51-69.
- Phinney J. S. (1990). Ethnic identity in adolescents and adults: review of research. *Psychological Bulletin*, 108, 499-514
- Phinney, J. S., Cindy Lou Cantu, C. L., & Kurtz, D. A. (1997). Ethnic and American identity as predictors of self-esteem among African American, Latino, and White Adolescents. *Journal of Youth and Adolescence*, 26, 165-185.
- Schumacker, R. E., & Lomax, R. G. (1996). *A Beginner's guide to structural equation modeling*. Mahwah. New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates, Publishers.
- Schwartz, S. J. (2008). Self and identity in early adolescence some reflections and an introduction to the special issue. *Journal of Early Adolescence*, 28, 5-15.
- Schwartz, S. J., Côté, J. E., & Arnett, J. J. (2005). Identity and agency in emerging adulthood: Two developmental routes in the individualization process. *Youth and Society*, 37, 201-229.
- Schwartz, S. J., Zamboanga, B. L., Weisskirch, R. S., & Rodriguez, L. (2009). Psychosocial functioning: The relationships of personal and ethnic identity exploration to indices of adaptive and maladaptive. *International Journal of Behavioral Development*, 33, 131-144.
- Sirin, S.R., Bikmen, N., Mir, M., Fine, M., Zaal, M., & Katsiaficas, D. (2008). Exploring dual identification among Muslim- American emerging adults: A mixed methods study. *Journal of Adolescence*, 31, 259-279.
- Smith, C. B., Weigert, A. J., & Thomas, D. L. (1979). Self-esteem and religiosity: An analysis of Catholic adolescents from five cultures. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 18, 51-60.
- Waterman, A. S. (1992). Identity as an aspect of optimal psychological functioning. in Adams, G. R., Gullotta, T.P Montemayor, R. (eds), *Adolescent identity formation* (pp. 50-72) Sage Publication.
- Williams, E., Francis, L. J., & Robbins, M. (2006). Rejection of Christianity and self-esteem-North American. *Journal of Psychology*, 8, 193-196

- Ysseldyk, R., Matheson, K., & Anisman, H. (2010). Religiosity as identity: Toward an understanding of religion from a social identity perspective. *Personality and Social Psychology Review, 14*, 60-71.
- Yuh, J. (2005). Ethnic identity and its relation to self-esteem and ego identity among college students in a multiethnic region. *Journal of Applied Social Psychology, 35*, 1111-1131.